

بینش نقش اندیش روزبهران در تفسیر

عرایس البیان فی حقایق القرآن

دکتر علی شیخ الاسلامی

استاد دانشگاه تهران

دکتر محمد رضایی

استاد یار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان

(از ص ۳۹ تا ۵۶)

تاریخ دریافت: ۸۹/۰۴/۰۷

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۶/۲۰

چکیده

«عرایس البیان فی حقایق القرآن» از مهمترین مصنفات روزبهران بقلی از عارفان پر آوازه قرن ششم است که علی رغم جایگاه حائز اهمیتیتی که در تاریخ تفاسیر عرفانی و شناخت عرفان عاشقانه دارد در پرده گمنامی مانده و در پژوهشهای گذشته و اخیر جز اشاره‌ای فهرست وار، از آن نشانی دیده نمیشود.

تجربه صوفیانه روزبهران، مهمترین پیش فرض وی در برخورد با متن قرآنی و مبنای تأویلات عرفانی او از آیات الهی است. تبیین مفاهیم و معانی آیات قرآن که در نتیجه چنین تجربه‌ای برای روزبهران حاصل شده، جز به واسطه شگردهای خاص بیانی که سرشار از نقش و تصویر و عاطفه است امکان پذیر نبوده که این امر موجب آمیختگی تأملات روزبهران با تصاویر خیالی و زبان مجازی شده است. از این رو نثر روزبهران در تفسیر عرایس البیان، همچون نثرهای شاعرانه، سرشار از صور خیال است. بررسی کاربرد و استخدام صور خیال و تبیین مبنا و علت کاربرد آنها در تفسیر عرایس موضوعی است که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: نقش اندیشی، تخیل، سبک، تجربه صوفیانه، تشبیه، استعاره.

مقدمه

صدرالدین جمال الاسلام ابومحمد روزبهان بقلی شیرازی، پرآوازه ترین صوفی فارس در قرن ششم است که در سال ۵۲۲ه. در شهر فسا دیده به جهان گشود و در سال ۶۰۶ه. در شیراز روی در نقاب خاک کشید. وی به دلیل شطح گویی بسیار و نیز به سبب پرداختن به تفسیر و توضیح شطحیات صوفیه و دفاع از اینگونه سخنان، به لقب «شیخ شطّاح» مشتهر گشت.

روزبهان اگر چه عارف گمنامی نیست و نام او با دو کتاب پرآوازه در حوزه عرفان اسلامی؛ یعنی «شرح شطحیات» و «عبر العاشقین» زنده ماند اما در حوزه تحقیق و پژوهش مورد کم توجهی قرار گرفته و همین توجه اندک نیز بیشتر معطوف و متمرکز بر دواثر مذکور وی است؛ حال آنکه روزبهان آثار متعدّد و متنوعی در حوزه تصوّف، تفسیر، حدیث، فقه و اصول تألیف کرده که به رغم تأثیر فراوانش، تا به امروز ناشناخته مانده و یا مورد کم توجهی قرار گرفته‌اند. از این تألیفات، تفسیر ارزشمند وی بر قرآن کریم، موسوم به «عرایس البیان فی حقایق القرآن» جایگاهی ارزنده و کم نظیر در تفاسیر عرفانی دارد.

آنچه که این تفسیر را نسبت به سایر آثار عرفانی و تفسیری متمایز میکند، زبان تصویر گرا، خیال انگیز و سرشار از نقش و عواطف است که عمدتاً در قالب ترکیبات تشبیهی و استعاری متجلی شده است. تأملات نظری و کشفیات عرفانی روزبهان با عناصر خیالی و نقش ها و تصاویر بیان میشوند. در این مقاله، سبک تفسیر عرایس البیان از این منظر؛ یعنی میزان و کیفیت به کار گیری صور خیال مورد بررسی قرار میگیرد.

عرایس البیان فی حقایق القرآن

تفسیر «عرایس البیان فی حقایق القرآن» در زمره تفاسیر عرفانی موسوم به تفاسیر اشاری ۱ قرار دارد که مانند تفاسیر هم‌نوع خود، تجربه صوفیانه مبنای تأویلات عرفانی مفسّر از آیات قرآنی و مهمترین پیش فرض وی در برخورد با متن قرآن قلمداد میشود.

تفسیر عرایس را میتوان در امتداد تلاشهای تفسیری سلمی در حقایق التفسیر دانست. سلمی در تفسیر خود- حقایق التفسیر - تأویل ها، آراء و اقوال متصوفان را تا زمان خود یکجا گردآوری کرده و با حفظ آنها از مفقود شدن، خدمتی بزرگ انجام داده است.

روزبهان بقلی با مطالعه تفسیر سلمی، با حذف و افزودن پاره‌ای مطالب، آن را به نوعی دوباره تحریر نموده است. بنابراین در عرایس البیان نوعی پیوستگی میان میراث عرفانی گذشته و آثار صوفیه بعدی ملاحظه میشود. روزبهان، اقوال و نظریات مشایخ عرفان را تا زمان خود ضبط و جمع آوری نموده و این خود خدمتی بزرگ به جهت حفظ مواریث عرفانی است. به بیان دیگر میتوان گفت این تفسیر در حکم نوعی دایرة المعارف اقوال عرفانی مشایخ تصوف است.

تفسیر عرایس البیان، متضمن تأویل تمام سور قرآنی است؛ یعنی از فاتحه الکتاب تا سورة ناس؛ اما این تفسیر، تفسیر منتظم و دستگاهی همه آیات قرآنی نیست. روزبهان در تفسیر خود به همه آیات نپرداخته و بسیاری از آنها را بدون اینکه مورد توجه قرار دهد، رها ساخته است.

در نظر مؤلف عرایس البیان، سخن خدا را نه تنها در قرآن، بلکه در تجربه شخصی (صوفیانه) نیز میتوان شنید. این تجربه به عنوان اصلی در تفسیر به روزبهان کمک میکند تا قرآن را نه به عنوان کلام یک وجهی، بلکه به عنوان کلام چند وجهی و دارای معانی بسیار دریابد و هرچه در تجربه شخصی بیشتر فرو میرود این معانی بر او مکشوف تر میشود. بر این اساس روزبهان بر معانی باطنی قرآن، تحت تأثیر مراتب متفاوت عرفانی درجات مختلف قایل میشود که این امر موجب تعدد معنایی آیات در تفسیر میگردد.

تفسیر عرایس البیان فی حقایق القرآن، که به زبان عربی تألیف شده، تاکنون به طور کامل به طبع نرسیده است و آنچه موجود است عبارت است از نسخه‌های خطی که در کتابخانه‌های جهان پراکنده‌اند و دو چاپ سنگی که در کلکته و بمبئی به عمل آمده است. در حال حاضر کار چاپ متن تفسیر عرایس البیان به اهتمام آقای علی بابایی در دست انجام است که تا کنون دو جلد از آن در انتشارات مولی به طبع رسیده است.

سبک نویسندگی روزبهان

نفس عرفان، آنگونه که دکتر شفیعی کدکنی می‌اندیشد نوعی از هنر است. به زعم ایشان؛ عرفان «برخورد هنری با مذهب» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: مقدمه، ۲۶) است و هنر مجموعه‌ای از «تخیل»، «رمز» و «زبان» است که عناصر اصلی آن به شمار می‌آیند. در تصوّف، «تخیل»، «رمز» و «زبان» با سبک‌ها و گونه‌های مختلف، از سادگی به طرف پیچیدگی حرکت میکنند و بدین گونه تصوّف ساده عصر نخستین، تبدیل به عرفان پیچیده ابن عربی و امثال وی میشود. «همانطور که انحطاط در هنرها از انحطاط در مجموعه زبان و رمز و تخیل آن هنرها آغاز میشود، انحطاط در تصوّف و عرفان نیز ملازم با انحطاط در این عناصر است». عرفان درخشان امثال بایزید و خرقانی و بوسعید تا جلال الدین مولوی، اعتدالی است از اوج «تخیل»، «رمز» و «زبان» و از سویی دیگر تصوّف منحن دوره‌های بعد از تیموری، به ویژه تصوّف مشایخ هند، انحطاطش برخاسته از تخیل منحن و زبان مبتذل و تکراری و کلیشه‌ای این تصوّف است. (همان، ص ۲۷).

بر این اساس، «میان اوج و انحطاط تصوّف» و «انحطاط زبان در کار صوفیه» رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. (همان) اگر این عقیده را به عنوان ملاک و معیاری در سنجش عظمت و یا انحطاط تصوّف ایرانی در نظر بگیریم و بر این مبنا، در مورد عرفان روزبهان بقلی که تداوم سنت عرفان ایرانی است به داوری بپردازیم، آنچه به عنوان نتیجه حاصل میشود آن است که؛ عرفان روزبهان به جهت تازگی عناصر اصلی هنر؛ یعنی «تخیل»، «رمز» و «زبان»، هنوز در بلندای عرصه تصوّف ایرانی جای دارد. «تخیل» و «زبان»، در آثار روزبهان به خصوص در اثر مورد بحث - تفسیر عرایس البیان فی حقایق القرآن - تا آن اندازه شگرف و بدیع است که با سبکی خاص و تأثیر گذار مواجه میشویم و اگر صعوبت و ابهام اندیشه وی که منجر به ابهام در زبان آثار وی شده است وجود نداشت، روزبهان قطعاً از دایره خمول خارج میشد. در آثار روزبهان به لحاظ پیچیدگی صنایع لفظی و نیز ساختار بغرنج طریقت عرفانی، سبک شخصی خاصی پدید آمده است. شمس الدین عبد اللطیف - مؤلف - روح الجنان و عبدالرحمان جامی، «غموضت» و «صعوبت» و دشواری فهم سخنان وی را، ویژگی برجسته آثار روزبهان دانسته‌اند و محققین معاصر نیز بر این ویژگی تأکید کرده‌اند. (دانش پژوه، ۱۳۴۷: ۱۶۴. جامی، ۱۳۸۲: ۲۶۱. روزبهان بقلی، ۱۳۴۹: مقدمه، ۲۴).

اندیشه‌های بسیار انتزاعی و پیچیده روزبہان که در نثری آکنده از تصویرهای مجازی، تراحیم استعاره و تشبیه، تتابع اضافات و دیگر کیمیا کاری‌هایی که زبان آثارش را مبهم، شاعرانه و برجسته ساخته، مهمترین دلیل نا شناخته ماندن روزبہان و عدم اقبال به آثار او تا سده اخیر بوده است. برجستگی و تشخیص آثار روزبہان، به‌خصوص تفسیر عرائس البیان، عبهر العاشقین و شرح شطحیات، به گونه‌ای است که در شمار نثرهای فنی جای گرفته و از شاعرانه ترین آثار منثور متصوّفه به حساب می‌آیند.

پیچیدگی صور خیال و نیز سبک بیانی خاص عرائس البیان، تا حدّ زیادی بازتاب ذهن پیچیده و رازناک روزبہان است. روزبہان در این اثر، از طریق افزایش ظرفیتهای زبان عادی، آن را برای ثبت یا بیان بخشی از تجربه‌های روحانیش که عمدتاً منطق گریز و بیان ناپذیرند آماده ساخته است. از همین روست که نثرش در تفسیر عرائس البیان و دیگر آثارش، همچون نثرهای شاعرانه، سرشار از صور خیال، موسیقی، وصف و دیگر عناصر شاعرانه متفاوت است. در واقع برخلاف دیگر نثرهای شاعرانه، بیشتر این عناصر در نثر روزبہان، نه بُعدی صرفاً زینتی و اضافی، که جنبه‌ای اصیل و الزامی دارند. بسیاری از این عناصر، به هنگام وقوع رویداد روحانی در تفسیر آیات قرآن، در ذهن روزبہان نقش می‌بندد و در زمان نگارش و ثبت آن واقعه روحانی، معبری میگردند تا آن رویداد از طریق آن عناصر بتواند در پهنه نثر جای بگیرد. (بزرگ بیگدلی و دیگران : ۱۳۸۵، ۲۳)

بر این اساس، به دلیل وجود ظرافت کاریها و آرایه بندی ها و نیز ابهامهایی که در نثر عرائس البیان راه یافته، باید نثر این کتاب را در طبقه نثرهای فنی جای داد. حتی در بسیاری از فقرات کتاب، سبک بیان روزبہان یادآور مقامه نویسی است.

بینش نقش اندیش روزبہان در عرائس البیان

چنان که گفته شد بسیاری از محققان قدیم و معاصر و تمام شخصیت‌هایی که آثار روزبہان را مطالعه کرده و یا بر آن شرح نوشته‌اند، به دشوار بودن سبک و شیوه بیان روزبہان اشاره کرده‌اند. جامی نیز به عنوان یکی از محققین قدیم حوزه تصوّف، به دشواری آثار روزبہان اشاره کرده و مینویسد: «مر او را سخنان است که در حال غلبه

وجد از وی صادر شده است که هرکس به فهم آن نرسد» (جامی، ۱۳۸۲ : ۲۶۱) مؤلف حسنات العارفین نیز سبک روزبهان را «ملال آور» یافته است. (داراشکوه : ۱۳۵۲:۳) از محققین معاصر، هانری کربن، درباره شیوه بیان در آثار روزبهان مینویسد :

«همه کتابهای روزبهان به زبان بسیار شخصی نوشته شده‌اند که جذبه‌ای پیوسته و سرشار از لحن غنایی در آن موج میزند و همین سبب میشود که خواندن و فهمیدن کتابهای وی اغلب دشوار باشد.» (شایگان ۱۳۷۱، ۳۳۸ و ۳۳۹).

دشواری سبک بیان روزبهان را باید ناشی از «بینش نقش اندیش»^۲ روزبهان دانست. روزبهان با سبک معمولاً شاعرانه‌ای که دارد طیف کاملی از نقش‌ها و صور خیالی؛ از جمله : تشبیه، استعاره و مجاز را برای بیان حالات مختلف تجربه عارفانه به کار میبرد. کاربرد و استخدام صور خیال و زبان مجاز از سوی روزبهان اساساً برای جبران محدودیتهای و نارسائیهای زبان مرسوم در اظهار پاره‌ای مفاهیم نامتعارف و به منظور رهایی از تنگناهای متعارف و معمول زبان در لحظات کشف معنای آیات قرآن بوده است؛ زیرا از این طریق گوینده امکان بیان مفاهیم و کشفیات عرفانی را می‌یابد. چنین شیوه‌ای اگر چه کار گوینده را از جهاتی آسانتر میکند اما بر زحمت خواننده می‌افزاید؛ زیرا خوانندگانی که با مفاهیم نامتعارف، کاربردهای غیر معمول زبان، صور خیال ناآشنا و اصولاً با سخنان غیر مرسوم، انس و الفتی ندارند، در درک زبان نمادین و استعاره‌ی روزبهان درمیمانند. (ارنست، ۱۳۷۷، ۴۳).

هانری کربن درباره سرشاری نقشها و عواطف آمیخته به تأملات نظری روزبهان که آن را نوعی از اندیشیدن میداند مینویسد : «در اینجا با متافیزیکی سر و کار داریم که با مفاهیم بیان نمیشود. این متافیزیک اساساً با نقشها کار میکند. نقشهایی پرچال، با عظمت، صاعقه افکن و حیرت انگیز... این بینش نیازمند دگردیسی حواس است و با این دگردیسی است که میتوان همه چیز را با چشم دل دید و حس کرد و به دیگری رساند. به دلیل نقش اندیشی روزبهان است که زبان وی به حدّ اعلا رمزی است.» (شایگان، ۱۳۷۱ : ۳۴۱).

نقش اندیشی روزبها موجب شده که سبک وی در آثارش شاعرانه و پر احساس شود اما نقشها و صور خیال روزبها با طراوت و تازه‌اند نه مبتذل و تکراری. آنه ماری شیمیل، در کتاب ابعاد عرفانی اسلام، در مورد تازگی نقشها و تصاویر خیالی روزبها میگوید :

«آنچه تاثیر عمیقی بر خواننده آثار روزبها میگذارد..... سبک اوست که بعضی اوقات ترجمه آن به اندازه ترجمه آثار احمد غزالی دشوار است و در عین حال آرایش و جمله بندی قویتر و ژرفتری دارد. زبان او دیگر زبان مدرسی شارحان اولیه تصوف نیست که سعی داشتند مراحل و منازل سالکان را طبقه بندی کنند. گرچه بقلی مطمئناً از این نظریه‌ها و اصطلاحات فنی آگاه بود. زبان او زبان پالایش یافته به دست شعرای ایران در خلال سده‌های یازدهم میلادی است که انعطاف پذیر و شورانگیز و لبریز از گل و بلبل است.» (شیمیل، ۱۲: ۱۳۷۴).

بنا بر آنچه گفته شد و نیز با بررسی سبک شناسانه آثار روزبها، میتوان گفت که مهمترین خصیصه سبکی آثار وی، علی الخصوص دو اثر ارزنده وی - عبهرالعاشقین و عرایس البیان - بیان بیش از حد تصویری و خیال انگیز وی است.

کاربرد و استخدام صور خیال در تفسیر قرآن، شگفت و عجیب مینماید و این پرسش را در اذهان بوجود می‌آورد که چرا در چنین تصنیفی - تفسیر عرایس البیان - از چنین شگرد زبانی استفاده شده است. تبیین مبنا و علت کاربرد صور خیال در یک اثر تفسیری چون عرایس البیان، موضوع بایسته‌ای است که ما در این نوشتار، پیش از نشان دادن مصادیق و نمونه‌های کاربرد صور خیال، بدان خواهیم پرداخت.

مبنای به‌کارگیری صور خیال در تفسیر عرایس البیان

استیس^۱ در کتاب «عرفان و فلسفه» در بحث «نظریه عواطف» مینویسد: «تجارب عرفانی از نوع تجارب عاطفی عمیق است و بنابراین با افکار عقلانی بیانش دشوار و گاهی غیر ممکن است.» (استیس، ۱۳۵۸ : ۲۱۰).

1. stace

سخن استیسی تأییدی است بر مبحث «بیان ناپذیری تجارب عرفانی»، که هم متصوّفه و هم محققین آثار و آراء صوفیه بدان اذعان دارند. افلاطون در رساله «فدروس» همین مطلب را تأکید میکند :

«اما توصیف نفس نیروی بیانی میخواهد که در توانایی آدمیان فانی نیست ولی به زبان آدمیان، میتوان با تمثیل و اشاره از آن حکایت کرد.» (پور نامداریان، ۱۳۷۵ : ۶۱ و ۶۲).

متعلّق معرفت وقتی فراتر از ظاهر محسوسات باشد، هم شیوه ادراک آن و هم شیوه بیان و کیفیت آن دشوار و مورد اختلاف است. عرفا که طریق ادراک و معرفت حقایق ناشناخته را تزکیه نفس و باطن دانسته‌اند، در تبیین یافته‌های عرفانی و تجربیات فراحسی خود وامانده‌اند؛ چه این کشفیات، باطنی و شخصی بوده و در تسخیر تجربه حسی در نمی‌آید. لذا بیانش با زبانی که مولود تجربه حسی و قراردادهای عقلانی است غیر ممکن و دست کم بسیار دشوار است. از این‌رو آنگاه که عارف در موقعیت متکلم قرار میگیرد و قصد ابراز دیده‌های اشراقی و کشفیات شهودی خود را دارد، گریزی جز استمداد از تمام ظرفیتهایی که قدرت تأثیر و کیفیت القایی زبان را ارتقا میدهد ندارد. (همان : ۶۶-۶۲).

از جمله کارآمد ترین ابزار در بیان تجربیات فراحسی، صور خیال است که کارآمدی آن را، استفاده مکرر صوفیه در ادوار مختلف و در آثار متعدد عرفانی اثبات میکند. کثرت کاربرد صور خیال و حکایات تمثیلی و کلماتی که دارای بار عاطفی و معنوی سرشارتری است، از جمله قابلیت‌های به کار گرفته شده زبان توسط صوفیه است که ناشی از عجز واژه‌ها و زبان طبیعی گفتار در بیان تجربیات ماورایی است. (همان).

در آثار روزبهان بقلی، به‌خصوص عرایس البیان و عبهر العاشقین، که هر دو بیانگر تجربه‌ای فراحسی هستند، استفاده از صور خیال در جهت القای معنی به مخاطب، بسیار مشهود است. تلاش روزبهان در تأویل قرآن، مبتنی بر تجربه صوفیانه است و این تجربه، همان معرفت پیشین وی به عنوان یک صوفی است؛ از این‌رو قرائت متن قرآن، در نظر

وی، به تجربه‌ای متافیزیک تبدیل میشود که تنها او به عنوان صوفی، قادر به شناخت آن است. معنا زمانی به تصرف صوفی درمی‌آید که خود به تصرف آن در آید. صوفی در قرآن چیزی را میخواند که تجربه روحی او به او میگوید. (پور جوادی، ۱۳۶۹ : ۷۱).

بنابراین تأویل قرآن از نظر صوفی چون روزبہان، «کشف» تلقی میشود؛ مانند تمام مکاشفاتی که صوفیه در لحظات ناب خود، در رؤیا و بیداری شهود میکنند و تجربه‌ای ورای تجارب مادی است. کشف معنای قرآن نیز از آنجا که تجربه‌ای غیر عادی و روحانی است به مانند تمام تجربیات روحی دیگر، قابل انتقال به دیگران نیست و اگر عارفی قصد انتقال آن را داشته باشد باید دنیای ذهن را با عناصر عینی درآمیزد که از جمله مهمترین این عناصر، صور خیال است.

تفسیر عرایس البیان نیز که تأویلی مبتنی بر تجربیات وی است، به مانند تمام آثار نظیر آن به هدف تبیین کشف و مکاشفه‌ای ماورایی و الهامی است که در مواجهه با متن قرآن و تأمل در آن وارد شده است. از این رو روزبہان در تفسیر عرایس، روش و قوت جدلی ندارد و از بیان شاعرانه همراه با سخنان رمزگونه مدد میگیرد. به عبارت دیگر، مؤلف عرایس، اصطلاحات، مفاهیم و معانی انتزاعی را که به تنهایی فهم متن را دشوار میکنند با محسوسات همراه میسازد تا دریافت احساس و معنی برای خواننده ممکن باشد.

او در توضیح و تأویل آیات، خیال را با معنی همراه میکند تا آنچه را که به زبان عمومی و عادی بیانش مشکل است با خیالهای شاعرانه قابل بیان سازد.

گونه‌های صور خیال در تفسیر عرایس البیان

با بررسی صور خیال عرایس البیان میتوان نتیجه گرفت که تشبیه، استعاره و تشخیص پرکاربردترین صور خیال هستند. تشبیهات عمدتاً به صورت فشرده است؛

یعنی ساختار تشبیهات به شکل ترکیبات اضافی است و استعاره‌ها نیز اغلب مکنیه (بالکنایه) هستند.

۱- تشبیه؛ پیوند میان عین و ذهن

توجه به کاربرد ترکیبات تشبیهی در عرایس و نیز دیگر تفاسیر عرفانی را میتوان مرتبط با وجه تعلیمی تصوّف دانست. ساختار این ترکیبات در جهت عمومی کردن زبان و ملموس ساختن مفاهیم ذهنی است. تعریف و توصیف یک مفهوم ذهنی مانند: معرفت، فنا، خوف، انس، شوق، بسط، قرب و... آنگاه که قصد تعلیم در میان باشد دشوار است؛ اما هنگامی که این مفاهیم ذهنی با یک اسم ذات، در هم آمیزد در وجه عینی زبان محصور شده و فهم آن آسانتر میشود. سابقه استفاده از ترکیبات تشبیهی با هدف یاد شده، از نخستین تفاسیر عرفانی (منسوب به امام جعفر صادق (ع)) قابل مشاهده است (مشرّف، ۱۳۸۴: ۳۲۳-۳۴۰)

در تفسیر عرایس، چنانکه گفته شد، عمده تشبیهات از نوع فشرده (اضافه تشبیهی) است. این تشبیهات فشرده که گونه‌ای از صور خیال هستند، وظیفه ایضاح معنی و تبیین احوال نفسانی نویسنده را بر عهده دارند، به گونه‌ای که حذف آنها موجب اخلال در ارسال معنی و دیرباتر شدن فهم متن میگردد. این تشبیهات در جهت تبیین تجربه‌های ذهنی و روحانی روزبهان، اصطلاحات و مفاهیم انتزاعی را که به تنهایی فهم متن را دشوار میکنند. با محسوسات همراه میسازند؛ به بیان دیگر امری معقول را مشبه قرار میدهند و کلمه‌ای محسوس را مشبه به، تا بدینوسیله امری ذهنی را عینیت میبخشند. کلمات محسوس در این ترکیبات، حکم مشبه به را دارند که سبب تجسم مادی مفاهیم انتزاعی میشوند؛ به گونه‌ای که وقتی روزبهان از تجربه عاشقانه حالت رجاء یا حالت خوف سخن میگویند، سخنش به یاری تصویر سازی و استفاده از کلمات محسوس چنان است که عکس العمل عاطفی و روانی او در هنگام تجربه دریافت میشود. این تصاویر خیالی باعث ابهام معنی نمیگردند و خودشان نیز به معنایی در ورای معنی ظاهری خود دلالت دارند.

بنابراین در ترکیبات تشبیهی تفسیر عرایس، معمولاً به دو گروه کلمه برمیخوریم :

۱- گروهی از کلمات که با معنی اصلی کلمه ارتباط دارند و بار اصلی معنی بر دوش آنهاست. مثل : رجاء، خوف، عشق، دل، عقل، علم، انس، توحید، جان، حقیقت و... این کلمات همه بیانگر مفاهیمی هستند که هیچکدام از راه تجربه حسی قابل شناخت نیست؛ یعنی از طریق حواس پنجگانه ظاهری قابل احساس و تجربه نیستند.

۲- گروه دوم کلماتی هستند که مدلولشان اشیاء یا پدیده‌های محسوس است که با حواس پنجگانه قابل احساس است و بیرون از انسان و حالات روانی او قرار دارند؛ مانند : ربیع، شکوفه، بلبل، هوا، جهان، بیابان، گل، بستان و....

اینک شواهدی از کاربرد ترکیبات تشبیهی در عرایس البیان، که از دو گروه کلمات مزبور تشکیل یافته‌اند : «فَإِنَّ أَطْيَارَ اسْرَارِي لَمَّا فَرَّغْتَ مِنَ الطَّيْرَانِ الْمَقَامَاتِ... وَ وَصَلْتَ أَلِيَّ بَسَاتِينَ الْمَكَاشِفَاتِ وَ الْمَشَاهِدَاتِ وَ جَلَسْتَ عَلَى أَغْصَانِ وَرْدِ الْمَدَانَةِ وَ شَرِبْتَ شَرَابَ الْوَصَالِ...» (روزبها بقلی، ۱۳۵۰: ۱۲۲).

(وقتی طایر جانم از پرواز در مقامات فراغت یافت..... و بر گلزار مکاشفه و مشاهده در رسید و بر شاخه گل مراقبه فرونشست و شراب وصال سرکشید.....)

-«و تَفَلَّقْتَ مِنْ فَلَاقِ الْغَيْبِ شَقَائِقُ دَقَائِقِ الْقُرْآنِ...» (همان: ۱۲۳).

(از افق غیب، شقایق دقایق قرآن تابیدن گرفت).

-«و هو ممتنع عن الوسواس و غبار العلائق و فيه القلب و هو كعبة الانس» (همان :

۲۲۵).

(و از وسواس و غبار علایق خالی است. در آن قلبی است که کعبه انس است.)

نمونه‌هایی دیگر :

عرایس مشاهدات، لباس عبودیت، مصابیح براهین، غطاء غفلت، لباس ربوبیت، بحار ذات، بذر محبت، بساتین غیب، اشجار مقامات، میادین ازلیت، حسام حکم الهی، غطاء

قهر، جنت قربت، سحاب شفقت، صحرای غیب، شמוש اسرار، هلال مشاهده (همان : ۱۶۲ و ۱۷۷ و ۱۸۸ و ۲۰۳ و ۲۰۷ و ۲۲۷ و ۲۳۵ و ۲۵۵).

در پایان بحث کاربرد تشبیه در عرایس البیان ذکر چند نکته دیگر در این باره لازم به نظر می‌رسد:

نخست اینکه : تشبیهات روزبهران مقید به اضافه است. این تشبیهات که گاه به صورت تتابع اضافات است در راستای تبیین هرچه بیشتر عوالم روحانی روزبهران پدید آمده است. برخی از این ترکیبات، استعاره‌هایی بوده‌اند که بار دیگر گسترش یافته و به صورت اضافه‌های تشبیهی درآمده‌اند؛ مانند نمونه‌های زیر :

«قادر علی أن ینشَقَّ ارواح السَّابِقین... روايح عبهر الانانیة و نسیم ورد الوجدانیة...» (همان : ۲۲۸).

قادر است ارواح سابقان و مقتصدان را با رایحه عبهر انانیت و نسیم گل وحدانیت لبریز سازد).

«حتى یسرَّعوا فی طلب الوصل الی ابواب سرادق الجبروت» (همان : ۲۳۵).

(تا در طلب وصل به ابواب سرادق جبروت بشتابند).

«فهی ثمرات اشجار المقامات» (همان).

(میوه‌های درختان مقامات است).

دیگر اینکه : ترکیبات تشبیهی متن مورد بحث، دارای تازگی و بعضاً غرابت است. روزبهران گاه بین مفاهیمی پیوند ماندگی برقرار ساخته که تصوّرش نیز دشوار است. درک وجه شبه و رابطه بین این مفاهیم، یکی دیگر از موارد ابهام‌زا و دشوار عرایس است. شواهدی در این باره نقل می‌شود :

عرایس الحکم، اطیار اسرار، فلق الغیب، مفتاح المکاشفه، مرقاة المشاهده، ظلّ جهد، نجوم جود، سراب الفقدان، ریح الجذبة، قفار الدیمومیة، فلوات الازلّیة (همان : ۱۲۱-۱۲۳، ۱۳۰، ۱۴۷، ۱۵۰، ۲۳۵، ۲۶۰).

۲- استعاره و تشخیص

یکی دیگر از گونه‌های صور خیال که در تفسیر عرایس البیان، مورد توجّہ قرار گرفته، استعاره است. روزبہان به یاری این ایماژ، در لحظہ مکاشفات، شہود و رؤیتہای خود، دایرہ بستہ و محدود واژگان را فرو ریختہ و قابلیتہای زبانی گسترده تری برای بیان حالات و تجربیات عرفانی خود فراهم ساختہ است. استعارات به کار رفته در عرایس مانند تشبہ، به دو شکل فشرده (اضافہ استعاری) و گسترده (به صورت جملہ) مشہود است. اما بسامد کاربرد استعاره به صورت فشرده، بیشتر از نوع گسترده است. تشخیص نیز کہ در حقیقت یکی از انواع استعاره؛ موسوم به استعارہ مکنیہ یا بالکنایہ است از پر بسامد ترین صور خیال در عرایس البیان به شمار میرود. کاربرد وسیع و متنوع این عنصر، موجی از زندگی و حیات را در این اثر جاری ساختہ است. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های تشخیص در این اثر، از طریق افزودن یکی از اعضا یا صفات و اعضاء مربوط به انسان به یک مفهوم انتزاعی به وجود آمدہ است.

اینک نمونه‌هایی از استعاره :

- عرایس غیب؛ استعاره از فرشتگان :

«طہراً قلبکما.... لسکان الاسرار.....لعرایس الغیب» (همان : ۲۱۹).

(قلب خودتان را پاک گردانید.... برای ساکنین اسرار.... و عرایس غیب).

- حسام حکم الہی؛ استعاره از پیامبر (ص) :

«فاستفتوا اشرف خلق اللہ، حسام حکم اللہ.....رئیس البریۃ.....» (همان : ۲۵۵).

(از اشرف خلق خداوند، حسام حکم الہی.....رئیس است پرسیدند)

- عرایس ملکوت؛ استعاره از ماه و ستارگان :

«لأنّ الخلیل زاع بصره عن عرایس الملکوت» (روزبہان بقلی، ۱۳۰۱ ق.ج. ۱ : ۸۶).

(زیرا خلیل دیدہ از عروسان ملکوت فرو بست).

شواہدی از استعارہ مکنیہ (تشخیص):

- «انَّ ظِلْمَةَ الْخَمْرِ... تُقَوِّى طَرْبَ النَّفْسِ الْاِمَّارَةِ» (روزبهان بقلی، ۱۳۵۰ : ۱۸۱).

(ظلمت خمر، بر طرب نفس اماره می افزاید)

- «قَدْ نَرَى ثُقَلْبَ عَيْنٍ سَرَّكَ فِي سَمَاءِ الْهَوَيْتَةِ» (همان : ۲۲۴).

(تو را میبینم که دیده جان خود، در آسمان هویت برمیگردانی).

- «وَ اَذْبَحْ طَيْرَ الْقَلْبِ... عَلَى جَنَابِ الْجَبْرُوتِ» (همان : ۱۸۳).

(مرغ قلب را.... بر آستانه جبروت قربانی کن).

- «فَطَعَّ رَأْسَ حَرْصِهَا مِنَ الدُّنْيَا فِي مَذْبَحِ التَّفْرِيدِ» (همان : ۲۳۶).

ویژگیهای صور خیال در عرایس البیان

۱- تازگی و غرابت تصاویر و عناصر سازنده خیال

صور خیال عرایس البیان، عمدتاً بدیع و تازه‌اند. روزبهان از آنجا که در تفسیر قرآن تحت تأثیر تجربیات روحی و عرفانی خویش است، در این خیال آفرینی صادق است. او در واقع بر اساس تجربه هنری خود، و نه صرفاً با تکیه بر سنت ادبی گذشته، صور خیال را خلق میکند؛ از این رو با کند و کاو صور خیال وی، میتوان به درون منظومه اندیشه وی راه یافت. در خیال آفرینی روزبهان اگرچه همه مصادیق زیبایی میتواند دخیل باشد، با این همه بیشتر در پی زیبایی‌های بصری، به ویژه تصاویر مربوط به طبیعت و مناظر نورانی است. از سوی دیگر، این تازگی و غرابت و تصاویر موجب ابهام صور خیال گشته و این امر یکی از علل اصلی پیچیدگی و دیربایی زبان نوشته‌های روزبهان است. او گاه دو مفهوم یا واژه یا ترکیب غیر هم سنخ و ظاهراً بی ربط را کنارهم قرار داده است؛ از این رو مخاطب در مواجهه با این ترکیبات به ناچار و در نهایت شگفتی درنگ میکند تا مگر پس از کند و کاو و تکاپوی ذهنی، از کمند ابهام آن رهایی یابد.

(بزرگ بیگدلی و دیگران، ۱۳۸۵، ۳۵ و ۳۷)

مثلاً در این نمونه‌ها :

سماء الهویة / لباس الآيات / سحائب الوجد / اوباش الطبیعه / سراقق تنزیه / سناء التوحید (همان : ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۹۳، ۳۰۱، ۲۹۶)

ابهام صور خیال در عرایس البیان و دیگر آثار روزبهران، از معانی پیچیده و مبهم و نیز رؤیت‌ها و مکاشفه‌های رازناک و بیان ناپذیر وی حکایت میکند که فضای ذهن و اندیشه اش را سرشار ساخته است. این امر نمودی از هماهنگی زمینه عاطفی و تصویر را در عرایس نشان میدهد.

نمونه‌هایی از این مختصّه سبکی، نقل میشود :

لباس فردانیت و رداء کبریا، ریح جذبہ، بحار قدم، مشرق غربت، شباب غفلة، سیوف هموم، حجاب حدوثیت، عروس بقا، عروس صفت قدیم، روایح عبهر انانیت، ریح خلة (همان : ۱۰۵، ۲۲۲، ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۰۶، ۲۱۶، ۲۳۷، ۳۱۲، ۳۴۲).

۲- تراحم تصاویر

تراحم و انبوهی تصاویر نیز از دیگر ویژگیهای صور خیال در تفسیر عرایس است. این امر که بیشتر ناشی از کنار هم قرار گرفتن ترکیبات تشبیهی صورت میپذیرد، به گونه‌ای است که گاه در یک عبارت مختصر با تعداد زیادی از تصاویر روبرو میشویم. آنچه غرابت تصاویر را دوچندان میسازد، فشردگی تصاویر و آمدنشان در قالب اضافه‌های استعاره و تشبیهی است. از سوی دیگر، گاه این تراحم تصاویر به دلیل غرابت و تازگیشان و نیز تتابع اضافات و مقید بودن تشبیهات و استعارات به وابسته‌هایی چند، به ابهام بیش از پیش متن انجامیده است :

«فأن اطيّار اسراری لما فرغت من الطّیران فی المقامات و الحالات و ارتفعت من میادین المجاهدات و المراقبات و وصلت الی بساتین المکاشفات و المشاهدات و جلست علی اغصان و رد المداناه و شربت شراب الوصال.....» (همان : ۱۲۲).

- «لهم فی رؤية تصریف الرّیاح و تسخیر السّحاب بین السماء و الارض، وجدانُ
تصریف ریاح المنّة و تسخیر سحاب الشّفقة بین نور الرّوح و نار القلب...» (همان : ۲۴۰).
- «اذبح طیر العقل بسکّین المحبّة علی باب الملکوت و اذبح طیر القلب بسکّین الشّوق
علی جناب الجبروت و اذبح طیر النّفس بسکّین العشق فی میادین الفردائیّة و اذبح طیر
الرّوح بسکّین العجز فی تیه عزّه» (همان : ۳۱۶).
- (مرغ عقل را با تیغ محبت بر درگاه ملکوت قربانی کن و مرغ قلب را به تیغ شوق بر
جناب جبروت و مرغ نفس را به تیغ عشق در میادین فردانیت و مرغ روح را به تیغ عجز
در وادی عزّت ذبح بگردان).
- «یخرجهم من ظلمات العدم الی کشف انوار القدم» (همان : ۳۰۶)
- «یطیرون بأجنحه الرّبویّة فی هواء الهویة و یروننی بلباس الدیمومیّة ثم ادعهنّ
بصوت السرّ العشق و زمزمة الشّوق و جرس المحبّة من بساتین القرية» (همان : ۳۱۷)
- «انهم حبسوا فی صحاری التوحید و تیه التقدیس باصفاد التّحیر و الزمو تراکم
لطمات بحار الوحدائیّة» (همان : ۳۴۰)

نتیجه

عرفان روزبهان بقلی، به جهت تازگی عناصر خیال، در عرصه تصوّف ایرانی قابل توجّه
است. مهمترین خصیصه سبکی تفسیر عرایس البیان فی حقایق القرآن، بیان بیش از
حد تصویری و خیال انگیز وی است که در قالب ترکیبات تشبیهی و استعاره‌ای متجلی
شده است. بروز و تجلی صور خیال در نثر عرایس البیان، ناشی از بینش نقش اندیش
روزبهان است. روزبهان برای تبیین تجربیات عرفانی در لحظات کشف معنای آیات قرآن،
طیف کاملی از نقشها و صور خیالی از جمله : تشبیه، استعاره و مجاز به کار میبرد.

مبنای به کارگیری صورخیال در عرایس البیان، جبران محدودیتها و نارسائیهای زبان مرسوم در اظهار مفاهیم نامتعارف است تا بدینوسیله روزبها از تنگناهای متعارف و معمول زبان در لحظات کشف معنای آیات قرآن رهایی یابد. تبیین کشفیات عرفانی و فراحسی که باطنی و شخصی بوده و در تسخیر تجربه حسی در نمی آید، با زبانی که مولود تجربه حسی و قراردادهای عقلانی است غیر ممکن و دست کم دشوار است. از این رو روزبها در تفسیر آیات قرآنی، آنگاه که در موقعیت تکلم قرار میگیرد و قصد ابراز دیده‌های اشراقی و کشفیات شهودی خود را دارد، گریزی جز استمداد از تمام ظرفیتهای زبانی که قدرت تأثیر زبان را ارتقاء میدهد، ندارد.

از جمله کارآمدترین ابزار زبانی در بیان تجربیات فراحسی، صور خیال است. روزبها در تفسیر عرایس البیان، روش جدلی اتخاذ نمیکند بلکه با به کارگیری بیانی شاعرانه که در قالب ترکیبات و جملات تشبیهی و استعاری متجلی شده است، سعی در تبیین مکاشفات خود از آیات قرآنی دارد. مهمترین گونه‌های صور خیال در عرایس البیان، تشبیه و استعاره و تشخیص است. تشبیهات عمدتاً به صورت فشرده (ترکیبات اضافی) است و استعاره‌ها نیز اغلب مکنیه (بالکنایه) هستند.

توضیحات

۱- تفسیر اشاری نوعی از تفاسیر صوفیانه است در مقابل تفسیر نظری که به ریاضت صوفی متکی است نه بر اندیشه‌های پیشین وی. در این نوع تفسیر، معانی آیات در نتیجه ریاضت صوفیانه طی اشاره‌ای فرار در قلب صوفی زاده میشود و با اسلوبی سر بسته و از راه رمز و اشاره بیان میشود. این نوع از تفاسیر صوفیانه را تفسیر اشاری خوانده‌اند. (آتش، ۱۳۸۱، ص ۱۲)

۲- «بینش نقش اندیش» تعبیری است که هانری کربن در توصیف شیوه اندیشه و ادراک روز بهان در مقولات عرفانی و متافیزیکی به کار برده است. کربن سرشاری تصاویر (ایماژها) و نقش‌ها در تالیفات روز بهان را القا کننده نوعی اندیشیدن میداند که با مفاهیم بیان نمیشود بلکه با تصاویر امکان انتقال میابد. (شایگان، ۱۳۷۱، ص ۳۴۱)

منابع

- آتش، سلیمان (۱۳۸۱)، مکتب تفسیر اشاری، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ارنست، کارل (۱۳۷۷). روزبهان بقلی، ترجمه مجدالدین کیوانی، تهران، نشر مرکز.
- بزرگ بیگدلی، سعید؛ نیکوبخت، ناصر؛ حسینی موخر، سید محسن؛ (۱۳۸۵)، بهار و تابستان («بررسی سبک نثر شاعرانه در عبهر العاشقین»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی شماره ۶، صص ۲۱ - ۴۹.
- استیس، والتر ترنس (۱۳۸۵)، عرفان و فلسفه، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، سروش.
- پور جواد، نصرالله (گردآورنده). (۱۳۶۹)، مجموعه آثار سلمی، (ج ۱). تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- پورنامداریان، تقی، (۱۳۷۵). رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- جامی، نورالدین عبدالرحمن (۱۳۸۲). نفحات الانس من حضرات القدس، تصحیح محمود عابدی، تهران، اطلاعات.
- داراشکوه، شاهزاده محمد (۱۳۵۲)، حسنات العارفین، تهران، مؤسسه تحقیقات و انتشارات ویسمن.
- دانش پژوه، محمد تقی، (۱۳۴۷). روزبهان نامه، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی.
- روزبهان بقلی (۱۳۰۱ق)، عرایس البیان فی حقایق القرآن، چاپ سنگی کلکته.
- روزبهان بقلی (۱۳۵۰)، عرایس البیان فی حقایق القرآن، تصحیح رمضان صلاح الصاوی، پایان نامه دکتري دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- روزبهان بقلی (۱۳۴۹)، عبدالله، عبهر العاشقین، تصحیح هانری کربن و محمد معین، تهران، منوچهری.
- شایگان، داریوش (۱۳۷۱)، آفاق تفکر معنوی، هانری کربن در اسلام، ترجمه باقر پرهام، تهران، آگاه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶). مصحح. منطق الطیر، تألیف فریدالدین عطار نیشابوری، تهران، سخن.
- شیمل، آن ماری (۱۳۷۴)، ابعاد عرفانی اسلام، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مشرّف، مریم، (۱۳۸۴)، نشانه شناسی تفسیر عرفانی. تهران، ثالث.